

## عسلویه جهنم ما است و بهشت دیگران

صدای کاوه ها

سه شنبه نوزدهم شهریور ۱۳۸۷

### عسلویه جهنم ما است و بهشت دیگران است

یکی از کارگران شریف از عسلویه به خبر نگار صدای کاوه ها در خصوص وضعیت کارگران در این منطقه چنین گفت: عسلویه تبعید گاه ایران بوده است این مکان ۱۰۰ متر پایین از دریا است و از طرف دیگر محاط به کوه شده است. اینجا صورت مسئله مشکل شرکت خاص و یا کارخانه خاص نیست، بحث صنف و اتحادیه کارگری است، ما باید این را حل کنیم، بحث این نیست که این شرکت ۴ ماه حقوق گرفت و یا نگرفت این نیست بحث این هست که کارگر از نظر این ها بی ارزش ترین موجود است.

رنج و گرفتاری و بدبختی برای ما کارگران است. عسلویه جهنم ما است و بهشت دیگران است، بهشت پولدارها و بهشت پارتی دارها است، بهشت کسانی است که میتوانند و قدرت دارند که دودرصد و یا سه درصد این مملکت هستند. ما کارگران باید جان بکنیم و عرق بریزم و از خانواده ۳ ماه دور باشیم و در اتاقهای سه در پنج ۱۵ نفره زندگی کنیم ولی این آقایان و آقازاده که به اینجا می آیند ۳ روز این جا میمانند، ۱۰ روز نزد خانواده خودشان میروند. در حال حاضر ۷۰ روز است که خانواده ام تنها هستند و هیچ کسی هم بالای سرشان در آن شهر نیست. این کجای عدالت است؟؟؟ از طرف دیگر قراردادهای پنهانی، پرداخت ۴ تارشوه همزمان باهم، ده تا ماشین پژو، ۲۰۰ میلیون پول برای یک قرارداد دومیلیاردی از سوی این آقایان صورت میگیرد آنها در بهشتند ما در جهنم به سر میبریم، اگر بخواهید این مسائل را درست موشکافی کنید، از کارشان سر در نمی آورید.

### ساعات کاری در ماه رمضان

ما ساعت ۷ صبح کارمون را شروع میکنیم و تا ۶ بعد از ظهر ادامه میدهیم، ساعت ۱۲ تا ۱ یک ساعت زمان استراحت داریم، کارخانه ما بدین صورت میباشد، و لی بقیه کارخانه ها هم دو شیفت هستند ولی زمان استراحت در مجموع در کارخانه هایک ساعت بیشتر نیست. و در ماه رمضان و با گرمای فوق العاده ای که در عسلویه است. برای کارگران کار در چنین شرایطی بسیار سخت و غیر قابل تحمل است.

از لحاظ غذایی همان غذای که از ظهر مانده را برای سحر به کارگران میدهند. اینجا غذایی امروز میماند، رابرای فردا در غذای فردا قاطی میکنند، افطار به اندازه یک نلکی سوپ به ما میدهند و این غذا به قدری بد کیفیت است، که هیچ کس تمایل به خوردن ندارد ولی مجبور هستیم که بسازیم اینجا معنایی ماه رمضان از دیدگاه و جایگاه من به عنوان یک کارگر یعنی همین که گفتم

البته برای کسانی که در بهشت عسلویه هستند، تسهیلات بی نهایت است.

هیچ زمان و هیچ رسانه ای انعکاس درستی از وضعیت ما کارگران در این منطقه را نمیدهد.

## در این منطقه با انتشار این گاز کلیه پرندگان به حالت کوما رفته اند.

تعدادی واحد در عسلویه راه اندازی شده، که این واحدها گازهای بسیار خطرناکی تولید میکند، که روی اعصاب تأثیر بسیار زیان آوری دارند، در این منطقه با انتشار این گاز کلیه پرندگان به حالت کوما رفته اند، این گاز روی اعصاب موجودات زنده تأثیر مخرب میگذارد، و اکثر کسانی که بعد از چند سال در معرض مستمر با این گازها قرار بگیرند، دچار انواع بیماریهای روانی خواهند شد.

### فاجعه عظیم

## در حال حاضر الودگی عسلویه ۵ برابر شهر تهران است.

## و وقتی کارخانه ها راه اندازی شود ۲۰ برابر تهران خواهد بود.

در ارتباط با آلودگی این جا آلودگی بیداد میکند هر چه در مورد این موضوع بنویسید، کم نوشتید به خصوص وقتی يك نفر متخصص بیاید ببیند آن وقت ابعاد فاجعه بهتر مشخص میگردد.

این مشعلهای عسلویه هنگامی که در بالاترین حد موجود کار میکنند، شما آن زمان به هیچ وجه آسمان را نمی بینید، به طوریکه شما نمیتوانید رشته کوه زاگرس با این عظمت را ببینید. اگر قرار باشد در آن لحظه باران بیارد، يك باران اسیدی خواهد بود.

هر کس که به اینجا می آید در ابتدای کار برای رد گم کردن يك دوره کلاس ایمنی برای او میگذارند، و در همان کلاس برای او توضیح میدهند:

که در حال حاضر آلودگی در شهر عسلویه ۵ برابر شهر تهران است البته وقتی راه اندازی شود ۲۰ برابر تهران خواهد شد، تاثير همان گازهای موجود بر روی ماکارگران بدین صورت خواهد بود که ما دیگر به درد خانواده مان نمیخوریم، این که سرنوشت ما چه خواهد شد، معلوم نیست.

ما محکوم به این هستیم که در معرض انواع بیماریها به خصوص بیماریهای خونی و ریوی قرار بگیریم.

البته همین حد از خبر را که در کلاس ایمنی میگویند آن چیزی است که نفرتوجیه کننده اجازه دارد تا این حد به ما بگوید و اینکه به طور واقعی در پس پرده چه میگردد را خدا داند و بس.

## عسلویه پایتخت اقتصادی ایران و جهان

در رابطه با این منطقه بسیاری از مسائل ناگفته باقی مانده است، در تبلیغات بسیاری که این روزها در ارتباط با این منطقه میکنند، عسلویه را پایتخت اقتصادی ایران و جهان معرفی میکنند. به طور مستمر در تلویزیون چراغ های روشن عسلویه را نشان میدهند، البته به درستی در این منطقه مکانهای بسیار زیبایی وجود دارد ولی ان مکانها در اختیار کسانی است که فقط ۲ تا ۳ درصد از کل جامعه را تشکیل میدهند و ان مکان متعلق به آقا زاده ها و کارفرمایان وابسته به این آقا زاده میباشد، در این منطقه سایتها ی بسیار زیبایی وجود دارد که پر از گلهای زیبا است. وقتی وارد این پارک میشوید فکر میکنید که وارد پارک ملت ایران شدید. شاید هیچ کس باور نکند زیرا کافی است از این منطقه صد متر آن طرفتر بروید،

در آنجا آشغال ها و آهن آلات و زباله های است، که کارگران در آن دست و پنجه نرم میکنند.

## تفاوت دودنیا

### من از این که يك کارگر هستم از خودم بدم میاید

در حال حاضر اینجا تبعیض طبقاتی بیداد میکند، در این کارخانه يك رستوران وجود دارد که از ساعت ۳۰: ۱۱ تا ۳۰: ۱۲ آقا زاده ها و کارفرمایان وابسته به آنها و هر چیزی که در يك غذایی جانانه گنجانده میشود دیده میشود. انواع غذاها و نوشیدنها و انواع دسر ها سر و میشود.

راس ساعت ۳۰: ۱۲ کارگران برای خوردن غذا میایند. برای سرو غذا تمام مواد و وسایلی که روی میز چیده شده، جمع میشود. هر چیزی که هست جمع میشود.

چند روز قبل برای ده تادانه سیر به شخصیت يك کارگر توهین شد. آیا میتوانید این موضوع را تحلیل و تفسیر کنید؟ فقط برای ده تا دانه سیر.

شاید آن کسی که چنگ زد و ۱۰ دانه سیر را از دست آن کارگر در آورد مجبور بود که این کارا بکند اما من از خودم بیزارم، من از صنف کارگری بیزارم. ار کارگر متفردم. يك روزی هم چنین توهینی به من هم میشود البته همین حالا هم به من توهین میشود.

### شما اگر بودید چه کار میکردید؟

من اینجا را به همین خاطر انتخاب کردم که به زندگیم تکانی بدهم. قبلا ۲۷۰ هزار تومان حقوق میگرفتم ولی اصلا فکر نمی کردم که به ازای ۱۰۰ هزار تومان بیشتر بخواهم اینجوری روح و جسمم در معرض نابودی قرار بگیرد.

به خاطر وضعیت بد اقتصادی چاره ای دیگری نداشتم، قیمت ها سرسام آور و به فزونی است، با میوه کیلوی ۵ هزار تومان از کجا بیاورم و خرج زندگیم را تامین کنم من محکوم هستم و باید کاری کنم، فرزندم که در این جامعه زندگی میکند به فساد کشیده نشود و برای خودش کسی شود و سری در سرها بیاورد. به همین خاطر من محکوم شرایط بد و سخت این جا را تحمل کنم

من از این که يك کارگر هستم از خودم بدم میاید، و از صنف کارگری بیزار هستم.

## صدای کاوه ها

### پنجشنبه چهاردهم شهریور